

چرا روشنفکران به مردم اهانت می‌کنند؟

انزوای خودخواسته یا تحکم از سر فهم

۱۲ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۲۲

یوسف اباذری جامعه‌شناس و استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران سه شنبه هجدهم آذر ماه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در نشست «پدیدارشناسی فرهنگی یک مرگ؛ بررسی جامعه‌شناختی پدیده درگذشت مرتضی پاشایی» سخنانی ارائه کرد که دامنه آن تا امروز ادامه داشته و واکنش‌های بسیاری در نقد و تحلیل آن ادامه یافته است.

یوسف اباذری جامعه‌شناس و استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران سه شنبه هجدهم آذر ماه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در نشست «پدیدارشناسی فرهنگی یک مرگ؛ بررسی جامعه‌شناختی پدیده درگذشت مرتضی پاشایی» سخنانی ارائه کرد که دامنه آن تا امروز ادامه داشته و واکنش‌های بسیاری در نقد و تحلیل آن ادامه یافته است.

او در این نشست اظهار داشت: پاپ در سیر موسیقی مبتذل‌ترین نوع موسیقی است و این آقا از مبتذل‌ترین افرادی بود که این موسیقی را خواند. و با ادبیاتی سخیف و به دور از روش‌شناسی علمی و پرخاشگرانه به علاقمندان این خواننده جوان پاپ حمله کرد و نه تنها او را بلکه به مردم نیز حملاتی تند کرد که نشان از عصبانیت روشنفکران ایرانی در نقد حوزه‌های که قادر به تحلیل آن نیستند دارند و در چرایی ناتوانی تحلیل روشنفکران ایرانی و ابتر بودنشان دلایل متفاوتی وجود دارد و اگر مطالعه اجمالی به تاریخ داشته باشی می‌توانی پیشینه تاریخی این ناتوانی را فهم کرد.

انقلاب اسلامی ایران مستقل از روشنفکران به پیروزی رسید و رهبری انقلاب با توجه به استفاده ابزاری روشنفکران از علما و به انحراف کشاندن مشروطه توسط روشنفکران از روشنفکران بهره نبرد و بالاتر از همه انقلاب اسلامی منابع تحرک خود را از سنت‌های کهن دینی به وام می‌گرفت و مصرانه می‌خواست آنها را در متن نهادهای مدرن جاری کند، تاثیرگذاری معرفت الهی و قدسی عملاً ابزارهای اصلی نفوذ و تعیین‌کنندگی را از روشنفکران ربود.

انقلاب اسلامی نظر به گستردگی وقوع خود و امواج ارزشی و اعتقادی پرقدرتی که پدید آورده بود، عملاً بخشی از روشنفکران را به حاشیه راند.

برای درک این چرایی لازم است منابع شناختی که روشنفکران از آن بهره می‌برند تا جامعه و تحولات آنرا بشناسند و اندیشه امام خمینی را به واکاوی بیندیشیم. تکلیف برای امام کانون الهام برای عمل است. «تکلیف» همانا درک امام از خواست خداوند است. اما این درک، پیچیده و نیز محتاج به منظومه های فلسفی و نظری وسیع نیست.

از سوی دیگر، روشنفکران مخصوصاً روشنفکران سنت انقلاب فرانسه که حسب برخی تحلیل ها، روشنفکران ایرانی نیز به طور تاریخی در همان فضا قرار دارند، به ابزارهای مفهومی و تحلیلی خود وابستگی کمابیش شوق آمیزی دارند.

آنها نه با کار فکری، بلکه با شوق ورزی به کار فکری مشخص می شوند. همه آنان به مدد نظریه و با تقدم آن، به تحولات پیرامون خود می نگرند.

در سطح پدیدارشناسانه، گونه ای تقدم فاحش (و نه ملایم) نظریه بر عمل سبب می شود که روشنفکران در فرهنگ های لاتینی اغلب از اجرای کارویژه ضروری خود یعنی طراحی های ذهنی برای اصلاحات اجتماعی یا نظریه سازی معطوف به حیات آینده جامعه یا امیدآفرینی های اخلاقی و روحی در جامعه، ارزیابی نو از قاعده ها و نهادها یا امور بدیهی و مسلم را دوباره مورد پرسش و مطالعه قرار دادن، ناتوان بمانند.

تقدم فاحش نظریه بر عمل احتمالاً از آنجا مایه می گیرد که این روشنفکران به قول برلین به زیبایی اندیشه بیشتر از خود اندیشه و امکانات آن بها می دهند. وجه مشخصه یک جریان روشنفکری سالم، حرکت از جامعه به سوی دولت یعنی از زمینه سازی های فرهنگی به سوی نتیجه گیری های سیاسی است؛ لیکن علامت روشن یک جریان غیرمعارف روشنفکری هر میزان هم که قوی و نافذ باشد حرکت از سوی سیاست به جامعه یعنی از زمینه سازی ها و پرداخت های سیاسی به سوی نتیجه گیری های فکری و فرهنگی و غیره است.

این نقیصه مهم که روشنفکران اغلب به واسطه ترجیحات عام و جهان گرایی ایدئولوژیک خود، در اغلب جاها و در ایران، حدود خود و حوزه محدود توانایی هایشان را نشناخته اند، وقتی در کنار رهیافت های اخلاقی آنان قرار می گیرد، بر شدت مسأله می افزاید.

عدم تقیدات اخلاقی و باور آنان به آزادگذاری های اخلاقی که چامسکی را به خشم می آورد، مخصوصاً هنگامی که در یک جامعه اخلاقی یا شرقی مطرح شود (لیبرالیزم فرهنگی)، این بار امام را نیز نگران می سازد.

بنابراین تقدم شورانگیز نظریه بر عمل و تقیدات اخلاقی ضعیف و باور برخی از آنان به آزاد گذاری اخلاقی و این تعارضات مبنایی روشنفکران ایرانی نه تنها با انقلاب اسلامی بلکه منابع معرفتی که مردم بر اساس آن رفتار می کنند عصبیت های را برای روشنفکران ایجاد می کند که آنان را به انزوا می برد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی سعی کرد بعد از انقلاب در دوران تثبیت با روش شناسی

اسلامی و معرفتی که حوزه علمیه داعیه‌دار آن است پرسش‌های ازلی و معرفتی خود که مبتنی بر وحی است را در یک فضای آزاد در دانشگاه مطرح کند و با استفاده از نقد همین روشنفکران عرفی به مقصد و هدف نهایی خود دست یابد که علوم اسلامی - ایرانی کارآمد و به روز است تا بتواند همه ابعاد زندگی در جامعه کنونی را بهتر بشناسد و درک کند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۲۹/انزوا-یا-خودخواسته-انزوا/۲۰۳۲۹>